

سوگواری در سیره و سنت امام صادق علیه السلام

حسین حسینیان مقدم^۱

چکیده

سوگواری برای از دست دادگان امری طبیعی، هماهنگ با سرشت انسانی و از دیرباز رایج بوده است. معصومان علیهم السلام در برخورد با پدیده غم از دست دادگان، افزون بر همنوایی با سرشت انسانی، تلاش داشتند غم بر زندگی بشر سایه گستر نباشد و نشاط و پویایی اجتماعی مسلمانان از بین نرود. در این میان، مطالعه سنت و سیره امام صادق علیه السلام، تلاش ایشان را بر این اصل اجتماعی نشان می‌دهد و بیان می‌دارد که امام صادق علیه السلام با سوگواری برخوردی یک‌سویه نداشت. آن حضرت با تمایز سوگواری‌های عادی و شخصی از سوگواری‌های آیینی، راهکارهایی ارائه داد تا هم با فروگاهی غم داغ‌دیده نشاط و پویایی اجتماعی حفظ شود و هم سوگواری آیینی از قلمرو خانواده به قلمرو امت در طول زمان و پهنای جغرافیا گسترش یابد و عنصر هیجان، هم‌راستا با استدلال در خدمت پیشبرد اهداف این مکتب باشد. از این رو، ایشان با بهره‌گیری از فرصت‌های تاریخی عصر خود، فرهنگ سوگواری را تبیین نمود و منظومه فکری عزاداری را در شیعه بنیاد نهاد. پژوهش حاضر، راهکارهای امام صادق علیه السلام را بر اساس گفتار و کردار آن حضرت در دو عرصه شخصی و آیینی با روش وصفی-تحلیلی بررسی کرده است و ضمن پرداختن به مسائلی مانند اصلاح فرهنگ سوگواری‌های عادی، یادکرد فردی عاشورا و تبدیل آن به سوگواری آیینی در ادبیات شیعی به این نتیجه رسید که در سنت و سیره امام صادق علیه السلام سوگواری کسی مانند امام حسین علیه السلام برجسته نشد و احکامی خاص نیافت و همچنین زیارتنامه‌ای برای آن بیان نشد.

واژگان کلیدی: امام صادق علیه السلام، سوگواری، غم‌دیدگی، ادبیات سوگواری، سوگ

شیعی.

۱. مقدمه

غمگین بودن و سوگواری برای عزیزان دست‌رفته طبیعی و هماهنگ با آفرینش بشری در فرهنگ‌های مختلف است. عزاداری برای مردگان و به‌ویژه کشته‌گان در میان عرب مرسوم بود و به هنگام عزاداری از انواع آرایش و در مواردی از داشتن روابط جنسی پرهیز می‌کرد. برپایه روایتی از امام صادق علیه السلام، زنان اهل بیت علیهم السلام به مدت پنج سال (ابن‌نماحلی، ۱۴۱۶، ص ۱۴۴) از هر نوع آرایشی تا زمان مرگ عبیدالله بن زیاد (م ۶۶ هـ.ق) خودداری کردند و پس از آن پیوسته در حال گریه بودند (ابن‌قولویه، ۱۴۱۷، ص ۱۶۷). عرب در مواردی برای کشتگان خود تا گرفتن انتقام، عزاداری نمی‌کرد تا حس انتقام در آنان کاستی نیابد. براساس این فرهنگ، قریش پس از نبرد بدر تا گرفتن انتقام از عزاداری خودداری کرد. (واقعی، ۱۴۰۹، ۱۲۱/۱-۲۰۲)

سوگواری در ماتم شهدای کربلا نیز امری طبیعی بود که در گذر زمان به دو سوگواری سنتی و آیینی تبدیل شد. در سوگواری سنتی، خانواده عزیزان دست‌داده به سوگ می‌نشست، می‌گریست و آواز ماتم سر می‌داد، اما قلمرو عزاداری آیینی از یک خانواده به یک گروه، مذهب و حتی سرزمین گسترش یافت. در فرهنگ شیعی، عزاداری آیینی اختصاص به امام حسین علیه السلام یافت و امامان معصوم علیهم السلام با برپایی مجالس ماتم، مشارکت دادن زنان در مجالس عزا، تشویق مرثیه‌خوانان به خواندن رثای امام حسین علیه السلام، گریه در عزای آن حضرت، بیان پاداش گریه بر آن حضرت و تشویق به زیارت مرقد آن امام علیه السلام، در تثبیت سوگواری آیینی و جهت‌دهی به آن کوشیدند. نتیجه این کوشش ایجاد هیجان عمومی بود که بیشتر از استدلال، ایجاد انگیزه می‌کرد. (رک، شجاعی، ۱۳۹۱، ص ۵-۲۳۶)

این نوع عزاداری در دوره ضعف حکومت امویان و فرایند انتقال قدرت به عباسیان رونق گرفت. امام صادق علیه السلام نیز با بهره‌گیری از این فرصت، فرهنگ سوگواری شیعی را تبیین کرد. ایشان با تشویق شاعران، مرثیه‌خوانی را تقویت، مجلس عزا را گسترش و زنان را در مجالس سوگ شرکت داد. امام صادق علیه السلام برای زنده نگه داشتن عاشورا اقداماتی انجام داد که سوگ حسینی را از دیگر سوگ‌ها متمایز کرد. بررسی این اقدامات نشان می‌دهد که ایشان منظومه فکری عزاداری را در شیعه بنیاد نهاد. شاهد این سخن آنکه ابن‌قولویه (۱۴۱۷، ص ۲۵۳-۲۵۷) فقط درباره ثواب زیارت امام حسین علیه السلام ۲۳۸ حدیث در ۲۹ باب نقل کرده است که



۱۶۶ حدیث از امام صادق علیه السلام است. البته در این میان، راویان ضعیف و غالی نیز وجود دارد، اما وجود آنان نمی‌تواند سبب نادیده گرفتن اخبار شود. گرچه درباره عزاداری‌های عمومی و خصوص سوگواری امام حسین علیه السلام آثار متعددی وجود دارد، این موضوع در سنت و سیره امام صادق علیه السلام بی‌پیشینه یافت شد. از این رو، پژوهش حاضر با تکیه بر منابع حدیثی و تاریخی کهن با رویکردی تحلیلی، راهکارها و اقدامات امام صادق علیه السلام را در دو محور مورد بررسی قرار داده است.

۲. سوگواری بر امام حسین علیه السلام در سیره امام صادق علیه السلام

۱-۲. یادکرد فردی مصیبت

گریه امام صادق علیه السلام و ارزشمند نامیدن گریه و حتی حالت گریه برای امام حسین علیه السلام راهکاری برای تازه نگه داشتن مصیبت کربلا بود. ایشان در این رابطه، گریه و ضجه برای امام حسین علیه السلام را دارای پاداش و در دیگر مصایب مکروه می‌دانست (ابن قولویه، ۱۴۱۷، ص ۲۰۱-۲۰۲) و خود به هنگام دیدن دختر امام حسین علیه السلام می‌گریست و می‌فرمود: «با دیدن فرزندی از آن امام حالتی غیر قابل تحمل به من دست می‌دهد» (ابن قولویه، ۱۴۱۷، ص ۱۶۹). همچنین عبدالرحمان هاشمی کوفی (م ۳۴۰ هـ) از داوود بن کثیر رقی (م ۲۰۳ هـ) نقل کرد که امام صادق علیه السلام پس از نوشیدن آب چنان گریست که چشمان وی پراز اشک شد (کلینی، ۱۳۶۳، ۳۹۱/۶). ابوعماره مُنشد، شاعر ناشناخته عصر امام صادق علیه السلام می‌گوید که هر روزی که نام امام حسین علیه السلام نزد حضرت برده می‌شد، تا شب خندان دیده نمی‌شد (ابن قولویه، ۱۴۱۷، ص ۲۰۳).

بنابر اخباری، امام صادق علیه السلام افزون بر اینکه خود می‌گریست، گریستن دیگر امامان علیهم السلام را نیز نقل می‌کرد تا فرهنگ عاشورایی را عمیق‌تر کند. به گفته محمد بن سنان (م ۲۲۰ هـ) از مُفَضَّل بن عُمَر (حدود ۱۸۳ هـ)، امام صادق علیه السلام گریه امام مجتبی علیه السلام بر امام حسین علیه السلام و این سخن وی را که روزی (سخت) مانند روز تو نیست، نقل کرده است (صدوق، ۱۴۱۷، ص ۱۷۷) و در وصف گریه امام سجاد علیه السلام فرمود که حضرت با یاد امام حسین علیه السلام چنان می‌گریست که محاسن وی خیس می‌شد و دیگران به گریه می‌افتادند.

امام صادق علیه السلام برای تبیین عمق فاجعه عاشورا و نهادینه کردن فرهنگ گریه بر امام حسین علیه السلام فرمود: «ملائکه نزد قبر امام حسین علیه السلام نیز چنان می‌گریند که آسمانیان به گریه

می‌افتند» و افزود که (جماداتی مانند) آسمان و زمین و خورشید نیز چهل روز بر حسین علیه السلام گریستند. (ابن قولویه، ۱۴۱۷، ص ۱۶۷-۱۶۸) برپایه مرفوعه محمد بن سهل بحرانی از راویان ناشناخته و توثیق ناشده، امام صادق علیه السلام از امام سجاد علیه السلام در شمار بگائون (بسیار گریه‌کنندگان) یاد کرد که بیست (یا چهل) سال بر امام حسین علیه السلام گریست و فرمود: «با یاد قتلگاه فرزندان فاطمه علیها السلام گریه گلوی من را می‌بندد» (صدوق، ۱۴۰۳، ص ۲۷۲؛ صدوق، ۱۴۱۷، ص ۲۰۴).

۲-۲. وارد کردن عاشورا در ادبیات شیعی

راهکار دیگر برای تازه نگه داشتن مصیبت‌های کربلا وارد کردن عاشورا در ادبیات شیعی و جامعه‌پذیر کردن آن بود. راهکارهای امام صادق علیه السلام برای رسیدن به این هدف به شرح ذیل قابل بررسی است:

۲-۲-۱. تشکیل مجلس عزاداری

امام صادق علیه السلام برای وارد کردن عاشورا در فرهنگ سوگواری شیعه، گریه بر امام حسین علیه السلام را با ایمان مردمان پیوند زد و آن را سبب ریختن اشک مؤمنان اعلام کرد و افزود: «امام حسین علیه السلام خود را کشته‌ای دانست که مؤمنان بروی می‌گریند»، «الْحُسَيْنُ عِبْرَةٌ لِّ كُلِّ مُؤْمِنٍ» و «أَنَا قَتِيلُ الْعَبْرَةِ لَا أَيْدُكُنِّي مُؤْمِنٌ إِلَّا اسْتَعْبِرَ». (ابن قولویه، ۱۴۱۷، ص ۱۱۸)

پیشینه تشکیل مجلس عزا و گریه بر مرده به عصر رسول خدا صلی الله علیه و آله بازمی‌گردد که مسلمانان در نبرد احد شکست خوردند و حمزه، عموی رسول خدا صلی الله علیه و آله، که بهترین حامی آن حضرت پس از ابوطالب بود به شهادت رسید. فاطمه علیها السلام، دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله، و صقیه، همسر آن حضرت، کنار پیکر حمزه گریستند و رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز با گریه آنان گریست به گونه‌ای که اگر صقیه بلند می‌گریست، پیامبر صلی الله علیه و آله بلند گریه می‌کرد و زمانی که او آهسته می‌گریست، پیامبر صلی الله علیه و آله آهسته گریه می‌کرد. (واقعی، ۱۴۰۹/۱/۲۹۰) برپایه گزارش دیگری، رسول خدا صلی الله علیه و آله به دلیل گریه بلند همراه با وصف دل‌آوری‌ها و خدمات حمزه، نزدیک بود بی‌هوش شود (طبری، ۱۳۵۶، ص ۱۸۱). در این میان، زنان انصار بر کشتگان خود می‌گریستند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «حمزه گریه‌کن ندارد». آنان در خانه رسول خدا صلی الله علیه و آله عزا گرفتند، بر حمزه گریستند و بدین صورت، گریه بر حمزه در عزاداری‌ها مرسوم شد. (واقعی، ۱۴۰۹/۱/۳۱۵-۳۱۷) و حلبی (۱۴۰۰/۲/۵۳۴) این نوع گریه و وصف خوبی‌ها را برای تشویق به راه و روش حمزه و سبب



تمایز آن از گریه جاهلی دانسته و افزوده است که گریه جاهلی به دلیل فخرفروشی و تکبر مکروه است.

امام صادق علیه السلام در ملاقاتی با کمیت بن زید کوفی (م ۱۲۶ هـ.ق) خواستار خواندن شعری درباره مقتل امام حسین علیه السلام شد و برای شنیدن آن اشعار دستور داد که برخی اعضای خانواده اش نیز حاضر شوند. آنگاه کمیت شعر خواند و حضرت گریست و در پایان در حق او دعا کرد. (ابو فرج اصفهانی، ۱۴۱۵، ۲۰/۱۷، ۲۴) بغدادی (۱۹۹۸، ۷۰/۱۵) افزوده است که با شعر کمیت، گریه در مجلس امام صادق علیه السلام زیاد شد و شیون (از اهل خانه) برخاست. کمیت در شکرانه عشق به اهل بیت علیهم السلام گفت: «تیرم خطا نرفت در حالی که زه کمان را نکشیده بودم». امام صادق علیه السلام در نقد این مصرع فرمود: «بگو: چون زه کمان، را به خوبی بکشم، تیرم به خطا نرود؛ زیرا بدون کشیدن زه کمان نمی توان تیر انداخت». کمیت در برابر چنین نقد ادبی و علمی، امام علیه السلام را در شعر برتر از خود خواند (کلینی، ۱۳۶۳، ۸/۲۱۵).

امام صادق علیه السلام از سفیان (سیف) بن مُضَعَبِ عَبدی کوفی خواست شعری بخواند که زنان با آن گریه کنند (طوسی، ۱۴۰۴، ۷۰۴/۲) و از ام فروه، دختر خود، خواست در آن مجلس حاضر شود. سفیان هنگام یاد از مصائب کربلا، خطاب به دختر امام صادق علیه السلام گفت: «ای ام فروه! اشک ریزانت را نثار کن». این سخن سبب شد تا او و دیگر زنان چنان صدا به صیحه بلند کنند که زنان مدینه (به تصور رخ دادن حادثه ای) پشت در خانه امام علیه السلام تجمع کردند (کلینی، ۱۳۶۳، ۸/۲۱۶).

همچنین بر پایه خبر ابو عماره مُنشد، او به درخواست امام صادق علیه السلام شعری در رثای امام حسین علیه السلام خواند و به درخواست مکرر حضرت، آن را ادامه داد. امام علیه السلام پیوسته می گریست و چندان ادامه یافت که صدای گریه از خانه امام علیه السلام شنیده شد. (ابن قولویه، ۱۴۱۷، ص ۲۰۹؛ صدوق، ۱۴۱۷، ص ۲۰۵) بنابر گزارشی، امام صادق علیه السلام از ابوهارون مکفوف (کور) کوفی (طوسی، ۱۴۱۵، ص ۳۰۱) خواست که شعری در رثای امام حسین علیه السلام بخواند و افزود که همان گونه شعر بخوان که برای خودتان و نزد قبر امام حسین علیه السلام می خوانی. حضرت و بانوان حاضر در مجلس با شنیدن شعر ابوهارون گریستند، سپس امام علیه السلام پاداش مرثیه خوانی امام حسین علیه السلام را بیان کرد (ابن قولویه، ۱۴۱۷، ص ۲۱۱).





روایت ابوهارون نشان می دهد که شیعه در عصر امام صادق علیه السلام برای مرثیه خوانی و عزاداری به مرقد امام حسین علیه السلام می رفتند و امام صادق علیه السلام نیز ضمن تأیید آن، آداب و نحوه زیارت را برای جهت دهی سوگواری ها بیان می داشت که خاستگاه برخی زیارت نامه ها شده است. اما اصل بر عزاداری به ویژه، عزاداری کنار مرقد بوده است که بیشتر براساس عرف عرب و به شکل مرثیه خوانی انجام می شده است. نمونه دیگر آن، روایت عبدالله بن حماد انصاری بصری است که برپایه آن، امام صادق علیه السلام فرمود: «به من خبر رسیده است که برخی کوفیان و غیر آنان و نیز زنان نوحه گر در نیمه شعبان به مزار امام حسین علیه السلام می روند. برخی کیفیت شهادت آن حضرت را بیان می کنند و برخی مرثیه خوانند و می گریند». ابن حماد خود را شاهد این مراسم خواند و امام علیه السلام خدا را ستایش کرد که برخی به تمجید اهل بیت و رثای آنان می پردازند (ابن قولویه، ۱۴۱۷، ص ۵۳۹).

عبدالله بن غالب آسدی، فقیه و مؤلف مورد وثوق شیعه (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۲۲۲)، شاعر دیگری است که در مجلس امام صادق علیه السلام شعر خواند و با شعر او زنان پشت پرده گریستند و یکی از آنان با صدای بلند فریاد «وا ابتاه» سرداد (ابن قولویه، ۱۴۱۷، ص ۲۰۹-۲۱۰). برپایه گفته نصرین صباح بلخی، امام صادق علیه السلام فرمود: «ملکی را می شناسم که بر عبدالله بن غالب شعر القا می کند» (طوسی، ۱۴۰۴، ۶۳۰/۲، طوسی، ۱۴۱۵، ص ۱۴۲)، اما نصر با اینکه از روایان پر روایت و غالی مذهب ان کوفه بود (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۴۲۸؛ طوسی، ۱۴۱۵، ص ۴۴۹)، برخی غالیان را که در درجه بالای غلو بودند، لعن کرد (خویی، ۱۴۱۳، ۱۵۰/۲۰-۱۵۲).

۲-۲-۲. تشویق و پاداش عزاداری

تشویق و پاداش راهکار دیگری برای زنده نگه داشتن عاشورا بود که گاهی مادی و گاهی معنوی برای رثاخوانان، گریه کنندگان و حاضران در مجالس عزای امام حسین علیه السلام و یادکنندگان آن حضرت بود. به گفته زید شحام (م ۱۸۳ هـ ق)، از روایان و مؤلفان کوفی مورد اعتماد (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۱۷۵؛ حلی، ۱۴۰۲، ص ۱۴۸) او و گروهی از کوفیان نزد امام صادق علیه السلام بودند که جعفر بن عقیان طایبی کوفی (م ۱۵۰ هـ ق) وارد شد. حضرت او را گرمی داشت و نزد خود نشانند و فرمود: «شنیده ام تو درباره امام حسین علیه السلام خوب شعر می خوانی؛ (در این جمع نیز) شعر بخوان». او شعر خواند و امام علیه السلام و اطرافیانش گریستند، چنان که اشک بر صورت و محاسن امام علیه السلام غلطان شد.

امام علیه السلام خطاب به وی فرمود: «ملائک مقرب الهی در این مجلس حاضر بودند و شعر تو را درباره امام حسین علیه السلام شنیدند و مانند ما و حتی بیشتر گریستند. خداوند در این لحظه تو را آمرزید و بهشت را بر تو واجب کرد». آنگاه امام در بیان پاداش عزاداری امام حسین علیه السلام فرمود: «کسی که درباره حسین علیه السلام شعری بخواند و بگیرد و بگیراند، آمرزیده و بهشت بروی واجب شود» (طوسی، ۱۴۰۴، ۵۷۴/۲-۵۷۵).

روایت زید شحّام به دلیل آنکه نصرین صباح و محمدبن سنان در سند آن هستند، بی اعتبار شمرده شده است (حلی، ۱۴۰۲، ص ۹۰؛ خوبی، ۱۴۱۳، ۴۹/۵). اما روایات مشابه آن کم نیست. برای نمونه، پاداش اندک گریه‌ای، حتی به اندازه بال مگس، برای رثاخوان یا گوش دهنده به رثا، آموزش گناهان است گرچه به مقدار کف دریا باشد (برقی، بی تا، ۶۳/۱؛ ابن قولویه، ۱۴۱۷، ص ۲۰۷؛ قمی، ۱۴۱۱، ۲/۲۹۲) یا مطابق روایات متعددی از ابوهارون مکفوف، ثواب آن برعهده خداوند است و کمتر از بهشت نباشد (ابن قولویه، ۱۴۱۷، ص ۲۰۲-۲۱۰).

در روایاتی از محمدبن سنان، امام صادق علیه السلام فرمود: «اگر رثاخوان پنجاه یا ده نفر را بگیراند، بهشت بر او واجب می‌شود». سپس امام علیه السلام برای تبیین اهمیت گریه و پاداش آن، تعداد حاضران را کاهش داد تا به یک تن رساند و افزود: «حتی اگر فقط خودش بگیرد یا به حالت گریه درآورد». (ابن قولویه، ۱۴۱۷، ص ۲۱۰-۲۱۱) نمونه دیگر اینکه امام صادق علیه السلام بنا بر روایت علی بن سالم کوفی، پاداش یک بیت شعر را درباره اهل بیت علیهم السلام مورد تأیید روح القدس و بنا بر روایت عبدالله بن فضل هاشمی، سبب داشتن خانه‌ای در بهشت دانست (صدوق الف)، ۱۴۰۴، ۱۵/۱. برخی روایات از گریه فراتر رفته و یاد امام حسین علیه السلام را موجب ثواب دانسته است. عبدالرحمان بن کثیر از داوود رقی از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که اگر نوشنده آب، حسین علیه السلام را یاد و کشنده وی را لعنت کند، صد هزار حسنه دارد، صد هزار گناه او پاک شود، صد هزار درجه یابد، گویا صد هزار بنده آزاد کرده باشد و در قیامت با قلبی آرام برانگیخته شود (کلینی، ۱۳۶۳، ۶/۳۹۱).

۲-۳. اهمیت دادن به ماه محرم و روز عاشورا

بر اساس روایاتی، حزن و اندوه از آغاز ماه محرم در چهره امام صادق علیه السلام مشهود بود و در عاشورا به اوج می‌رسید، به گونه‌ای که عبدالله بن سنان آن حضرت را در روز عاشورا با رنگی

متغییر و مایل به سیاه، غمگین و اشک‌ریز وصف کرد و افزود که امام علیه السلام از روزه روز عاشورا و خوردن و آشامیدن به جز اندکی آب در نزدیکی غروب آفتاب (همسو با عملکرد صاحبان عزا) پرهیز داد و عصر عاشورا را برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و خاندان آن حضرت سخت وصف کرد. آنگاه امام علیه السلام برای تثبیت فرهنگ عزاداری در این روز دستور داد تا همسان صاحبان عزا، لباس بپوشند، نماز (با آداب و شرایط خاص) بخوانند، روی به جانب قبر حسین علیه السلام داشته بروی سلام دهند، بر قاتلانش نفرین کنند، از عملکرد بد آنان بی‌زاری جویند، با دلی شکسته و قلبی محزون بگویند: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، رِضًا بِقَضَاءِ اللَّهِ وَتَسْلِيمًا لِأَمْرِهِ» و نیز بسیار استرجاع کنند و خدا را تسبیح گویند. (طوسی، ۱۴۱۱ هـ.ق، ص ۷۸۲)

عبدالله بن فضل هاشمی از روایان مجهولی است که از امام صادق علیه السلام پرسید: «چرا عاشورا برخلاف روز رحلت معصومان پیشین، باید روز غم و مصیبت شمرده شود؟». امام علیه السلام اندوه عاشورا را از این رو بزرگ‌تر وصف کرد که امام حسین علیه السلام آخرین نفر از اصحاب کساء بود و شهادت ایشان به منزله رحلت همه اصحاب کساء بود. آنگاه فرمود:

عامه، عاشورا را روز برکت شمردند تا شادمانی و تبرک را جایگزین سوگواری کنند. با این حال، زیان آنان کمتر از غالیان شیعه‌نمایی است که با تشبیه حسین علیه السلام به عیسی بن مریم علیه السلام، می‌گویند که حسین علیه السلام کشته نشد؛ زیرا نتیجه سخن آنان سرزنش نشدن بنو امیه است. (صدوق، ۱۳۸۵/۱، ۲۲۵-۲۲۷)

۲-۲-۴. توصیه به زیارت امام حسین علیه السلام

امام صادق علیه السلام افزون بر توصیه‌های پیشین، حضور فیزیکی مردم را کنار مرقد امام حسین علیه السلام خواستار شد که نماد مهمی از سوگواری است. ایشان تأکید داشت که زیارت کربلا ترک نشود و برای تشویق بیشتر به بیان ثواب آن پرداخت که آموزش، حاجت‌روایی، گره‌گشایی، غم‌زدایی، برتر بودن از هم‌رکابی با رسول خدا صلی الله علیه و آله در جنگ و با انبیا در مراسم حج و عمره و نیز آزاد کردن بردگان است. (کلینی، ۱۳۶۳/۴، ۵۸۰-۵۸۳؛ طوسی، ۱۴۱۱، ص ۷۱۵-۷۱۷) اخبار متعددی حکایت از آن دارد که زائر قبر مطهر امام حسین علیه السلام در عاشورا، آب دهنده به مردم و بیتوته‌کننده نزد مرقد حضرت در شب عاشورا، روز قیامت آغشته به خون خودش خداوند را ملاقات می‌کند گویا که در رکاب آن حضرت در کربلا شهید شده است (ابن قولویه،

با این حال، روایتی از امام صادق علیه السلام تصریح دارد که اگر کسی نتوانست به حج یا عمره برود به زیارت قبر امام حسین علیه السلام برود که ثواب آن معادل حج یا عمره است. (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۷۱۷) در روایتی دیگر نیز زائر حسینی به این دلیل برتر شمرده شده است که برخلاف حاجیان و عمره‌گذاران، همه پاک‌زاده هستند (ابن قولویه، ۱۴۱۷، ص ۳۱۷؛ صدوق (ب)، ۱۴۰۴، ۵۸۰/۲؛ طوسی، ۱۴۱۱، ص ۷۱۵).

امام علیه السلام در روایتی دیگر تعجب نمود که چگونه برخی خود را شیعه می‌نامند، ولی به زیارت قبر امام حسین علیه السلام نمی‌روند و ترک زیارت آن حضرت را جفا در حق آن امام علیه السلام می‌دانست. (ابن قولویه، ۱۴۱۷، ص ۲۵۶-۴۸۹) پرسش امام صادق علیه السلام از صحابیانی خود در این باره که آیا به زیارت قبر امام حسین علیه السلام می‌روید یا نه، از مصائب او یاد می‌کنید یا نه و در غم او به جزع و فزع می‌آید یا نه؟ اهتمام ایشان را برای حضور فیزیکی در کنار مرقد حسینی و عملکرد شیعه در آنجا را بهتر نشان می‌دهد (ابن قولویه، ۱۴۱۷، ص ۲۰۳-۲۰۶). از این رو، امام صادق علیه السلام ضمن توصیه‌هایی به جهت‌دهی زیارت حسینی و بودن در کنار مرقد آن حضرت پرداخت و آدابی را برای سفر و نوع زیارت نمودن ایشان بیان فرمود (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۷۱۷-۷۲۳).

۲-۵. ایجاد حرم برای مرقد امام حسین علیه السلام

ایجاد حرم برای قبر امام حسین علیه السلام و هم‌راستا قراردادن آن با حرم نبوی صلی الله علیه و آله نیز از عوامل تشویق حضور فیزیکی شیعیان در کربلا و زیارت قبر امام حسین علیه السلام بود. امام صادق علیه السلام محدوده حرم را برپایه اختلاف روایات، پنج فرسنگ از چهار سوی قبر، یک فرسخ در یک فرسخ از چهار طرف مرقد یا بیست و پنج ذراع از هر طرف مزار بیان کرد. (طوسی، ۱۳۶۴، ۷۱/۶) بنا بر روایات متفاوتی، امام صادق علیه السلام نماز را در چهار مکان تمام دانست: مسجد الحرام، مسجد الرسول صلی الله علیه و آله، مسجد کوفه و حرم امام حسین علیه السلام (کلینی، ۱۳۶۳، ۵۸۶/۴-۵۸۷). گویا اهتمام ایشان به تبیین حرم و اتمام نماز در آن راهکاری برای هویت بخشی اجتماعی امامیه در برابر اکثریت مسلمانان و دیگر فرق شیعی بوده است. از این رو، وقتی ابوشبل به امام صادق علیه السلام گفت که برخی شیعیان نماز را در کنار قبر امام حسین علیه السلام تمام نمی‌خوانند، حضرت آنان را ضعیف‌ترین شیعه نامید (کلینی، ۱۳۶۳، ۵۸۷/۴). در این میان، روایت معاویه بن وهب از امام صادق علیه السلام تمام بودن نماز را مشروط به بودن ده روز در محل کرده است که سبب

اختلاف فقهیان شیعه در فتوا شده است (رک. حلی، ۱۴۲۱، ۳۶۴/۶).

۲-۶. سیاه پوشی

بر پایه مطالعات، آنچه از امام صادق علیه السلام درباره پوشش در عزاداری امام حسین علیه السلام نقل شده است بیانگر جواز پوشیدن لباس به رنگ سیاه و ترک چیزهایی است که موجب رغبت مردان می شود، مانند لباس رنگین، سرمه کشیدن، استعمال عطر و زینت برای زن در زمان عده وفات. (قاضی نعمان، ۱۳۸۳، ۲۹۱/۲، رک. طوسی، ۱۳۷۸، ۲۶۴/۵) دو بیان متفاوت درباره اصل سیاه پوشی وجود دارد؛ یکی نکوهش لباس سیاه و آن را لباس فرعون و دوزخیان خواندن (صدوق (ب)، ۱۴۰۴، ۲۵۱/۱) و دیگری پوششی متعارف و لباس نبرد و عزاداری شمردن آن. برای مثال برخی فرماندهان در دوره نخست فتوح اسلامی لباس سیاه داشتند (واقدی، بی تا، ۴۵/۱) و امام حسین علیه السلام نیز با لباسی نزدیک به رنگ سیاه و از جنس خز (جَبَّة خَزْ دکناء) به شهادت رسید (کلینی، ۱۳۶۳، ۴۵۲/۶؛ طبرانی، بی تا، ۱۱۵/۳). شافعی (طبرانی، بی تا، ۲۴۰/۱) و برخی کاتبان نیز از همان جنس و رنگ استفاده کرده اند (ابوفرج اصفهانی، ۱۴۱۵، ۴۸۷/۱۴) که نشان می دهد اختصاصی به نبرد نداشته است؛ همان گونه که امام صادق علیه السلام نیز از آن استفاده کرده و مورد نقد سفیان ثوری قرار گرفته است (شافعی، بی تا، ص ۴۳۸). رسول خدا صلی الله علیه و آله عثمان بن عفان، عبدالرحمان بن عوف (ابن سعد، بی تا، ۵۷/۳ و ۱۲۵؛ ابن سعد، بی تا، ۲۳۴/۸) و امام سجاد علیه السلام (کلینی، ۱۳۶۳، ۴۴۹/۶) نیز لباسی از جنس خزی یا پشم به رنگ سیاه داشته اند.

موارد استفاده لباس سیاه در عزاداری نیز متعارف بوده است. همان گونه که زینب دختر ام سلمه در سوگ حمزه (زمخشری، ۱۴۱۷، ۲/۱۵۴؛ ابن اثیر، ۱۳۶۴، ۵/۶۸) و زنان هاشمی در سوگ امام مجتبی علیه السلام به مدت یک سال سیاه پوشیدند (ابن سعد، ۱۴۱۶، ص ۹۰-۹۱). امام مجتبی علیه السلام نیز پس از شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام با لباس و عمامه سیاه برای مردم خطبه خواند (ابن سعد، ۱۴۱۶، ص ۷۲؛ ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸، ۲۲/۱۶، ذهبی، ۱۴۱۳، ۳/۲۶۷ و ۲۷۲) و زنان هاشمی پس از شهادت امام حسین علیه السلام سیاه پوشیدند (برقی، بی تا، ۴۲۰/۲).

با توجه به کاربرد لباس سیاه در موارد مختلف، گویا تعریف آن به لباس فرعونیان و دوزخیان، عمومیت ندارد و در شرایط و موارد خاص، فخر فروشی بوده است؛ شرايطی که نمی تواند منحصر به سیاه پوشی عباسیان شود؛ زیرا سال ها پیش از برآمدن آنان، کراهت

و فرعونی بودن آن از رسول خدا ﷺ و امیرمؤمنان ﷺ روایت شده بود و امام صادق ﷺ نیز سیاه‌پوشی را برپایه آیین برخی انبیای پیشین، لباس دشمن خدا معرفی کرده است (صدوق (ب)، ۱۴۰۴/۱/۲۵۱-۲۵۲). با این حال، مسلمانان لباس سیاه می‌پوشیدند و اگر اشکالی متوجه سند این روایات نباشد یا آنها را برساخته دوره‌های پسینی برای ابراز مخالفت با حکومت عباسیان نشمرند، چه بسا پیش‌گویی آینده دانسته شود، همان‌گونه که صدوق ضمن روایتی به آن اشاره کرده است (صدوق (ب)، ۱۴۰۴/۱/۲۵۱). در هر صورت، نقش سیاه‌پوشی عباسیان در بروز یا تفسیر این‌گونه روایات را نمی‌توان نادیده گرفت.

۲-۳. دیگر سوگواری‌ها

نمادهای سوگواری برای غیر از امام حسین ﷺ چندان برجسته نیست. در خبری از امام صادق ﷺ آمده است که هر عزاداری و گریستنی مگر برای امام حسین ﷺ ناپسند و مکروه است و فقط برای آن امام ﷺ ثواب دارد. (طوسی، ۱۴۱۴، ص ۱۶۲). این خبر از دو منظر درخور توجه است، یکی برجسته کردن فرهنگ عزاداری برای امام حسین ﷺ و دیگر اصلاح سوگواری در مصیبت‌های عادی.

مواجه شدن با داغ‌دیدگی برای همگان مشکل و در مواردی غیر قابل تحمل است. گرچه گذشت زمان به طور طبیعی سبب فراموشی و کاهش غم است، با راهکارهایی می‌توان بهتر و سریع‌تر از فشارهای عصبی عزادار کاست تا دوباره به امور زندگی خود بپردازد. در پرتو این راهکارها، پویایی و نشاط جامعه در هیچ شرایطی نابسامان نخواهد شد. امام صادق ﷺ به همین منظور به تبیین فرهنگ عزاداری‌های عادی پرداخت و آنها را از عزاداری امام حسین ﷺ تمایز داد. مجموعه راهکارهای بازیابی روحی عزادار در سیره امام صادق ﷺ در چند محور به شرح ذیل قابل جستجو است:

۲-۳-۱. تمایز پوشش صاحبان عزا از دیگران

فراهم آوردن شرایط عزاداری برای داغ‌دیده، نوعی آرام‌بخشی و همراهی با عزادار برای غم‌گاهی است. برای مثال، صاحب عزا باید با تغییر وضعیت و پوشش مناسب عزا، به‌گونه‌ای در جامعه ظاهر شود که مردم او را به عزادار بودن بشناسند. برای مثال امام صادق ﷺ فرمود که صاحب عزا بدون عبا (بالپوش) باشد رکبانی، (۱۳۶۳، ۲۰۴/۳) و خود نیز در تشییع جنازه

فرزندش، اسماعیل، بدون کفش و عبا حرکت کرد (کلینی، ۱۳۶۳/۱، ۷۲/۱). حضرت در کنار این راهکار، یادآور شد که در این تغییر حالت، ضجه و پاره کردن گریبان سزاوار نیست (کلینی، ۱۳۶۳/۳، ۲۲۵ و ۲۲۶). گرچه بر پدر، مادر و برادر یا نزدیکان چندان اشکالی ندارد، همان‌گونه که حضرت موسی علیه السلام در سوگ برادرش هارون علیه السلام و زنان فاطمی در سوگ امام حسین علیه السلام گریبان دریدند. آنگاه امام صادق علیه السلام سیلی زدن را در صورتی که آمرزش بخواید، مشکل ندانست و افزود: «زنان فاطمی در عزای امام حسین علیه السلام سیلی به صورت می‌زدند و البته در مثل چنین مصیبتی باید گریبان درید و سیلی به صورت زد» (طوسی، ۱۳۶۴/۸، ۳۲۵/۸، رک. شهید اول، ۱۴۱۹/۲، ۵۷/۲).

نوحه سرایی نیز اگر بدون گزاف‌گویی، فخرفروشی یا طعن بر دیگران باشد، در شمار نوحه سرایی عصر جاهلی (نیشابوری، بی‌تا، ۴۵/۳) نخواهد بود. همان‌گونه که فاطمه علیه السلام در سوگ رسول خدا صلی الله علیه و آله با گفتن «ای وای پدرم!...» نوحه خواند (ابن سعد، بی‌تا، ۳۱۱/۲). امام باقر علیه السلام نیز وصیت نمود تا ده سال در حج بروی ماتم بگیرند و بگریند (کلینی، ۱۳۶۳/۵، ۱۱۷/۵؛ صدوق (ب)، ۱۴۰۴/۱، ۱۸۲). در این میان، ترک زینت، آرایش، استعمال عطر، لباس زینتی، لباس رنگارنگ و شاد برای زنان شوهر مرده در سوگواری توصیه شده است (مفید (الف)، ۱۴۱۴، ص ۴۸؛ قاضی نعمان، ۱۳۸۳/۲، ۲۹۱).

۲-۳-۲. سرسلامتی دادن به عزادار

امام صادق علیه السلام در تعزیت فرزند از دست داده ای فرمود: «خداوند برای فرزندان تو بهتر است و پادشاه الهی برای تو بهتر از فرزندان است» (کلینی، ۱۳۶۳/۳، ۲۰۴) و نیز در تعزیتی دیگر فرمود: «خداوند سستی شما را جبران، به شما صبر و درگذشته شما را رحمت کند» (صدوق (ب)، ۱۴۰۴/۱، ۱۷۴). ایشان برای ایجاد انگیزه بیشتر برای سرسلامتی دادن به مصیبت دیده، پادشاه تسلیت‌گوینده را برابر با ثواب مصیبت دیده اعلام کرد (کلینی، ۱۳۶۳/۳، ۲۱۷) و کمترین مراتب تسلیت را آن دانست که شخص خود را در دید عزادار قرار دهد (صدوق (ب)، ۱۴۰۴/۱، ۱۷۴).

امام صادق علیه السلام برای تعلیم چگونگی سرسلامتی دادن به عملکرد فاطمه علیه السلام استناد کرد که وقتی دختران بنوهاشم در سوگ رسول خدا صلی الله علیه و آله با وی هم‌ناله شدند، فرمود: «گریه همراه با شمارش ویژگی‌های میت را (از روی فخرفروشی) رها کنید و به جای آن دعا نمایید» (کلینی، ۱۳۶۳/۳، ۲۱۷). نکته دیگر در تسلیت‌گویی این است که امام صادق علیه السلام فرمود: «پس از دفن



میت و در کنار قبر او به مصیبت دیده تسلیت بگویند و برگردید» (کلینی، ۱۳۶۳، ۲۰۳/۳ و ۲۰۴: فیض، ۱۳۷۲، ۵۵۲/۲۵). علامه حلی (۱۲۵/۲، ۱۴۱۴) سبب تسلیت پس از دفن را زیاد شدن گریه صاحب عزا و دگرگونی روحی او به دلیل لحظه جدایی دانسته است.

۲-۳-۳. خود فروکاهی غم

تلاش برای کاهش غم و بازگشت سریع مصیبت زده به وضعیت عادی زندگی در سیره امام صادق علیه السلام درخور توجه است. تسلیت گویی کمترین مرتبه شریک غم دیگران شدن است و تأثیر بسزایی در فروکاهی غم مصیبت زده دارد، اما راهکارهای دیگری نیز در کنار آن برای فروکاهی غم یا به تعبیری، پیشگیری از ایجاد روح ناامیدی توصیه شده است تا در پرتو آنها تهدید به فرصت تبدیل شود. از جمله این راهکارها عبارتند از:

اول) توصیه به خویشتن داری: امام صادق علیه السلام فرمود: «همان گونه که ناسپاسی در برابر نعمت، عاملی برای تبدیل شدن آن به رنج و سختی است، خویشتن داری و مقاومت در برابر مصیبت (تهدید)، عاملی برای تبدیل آن به نعمت (فرصت) است.» (کلینی، ۱۳۶۳، ۹۲/۲) در واقع امام صادق علیه السلام ناشکیبایی را هم راستای کفران نعمت و عامل هلاکت معرفی کرد (اسکافی، بی تا، ص ۶۴) و آنگاه برای ایجاد روح خویشتن داری و مقاومت در داغ دیده، پاداش صبر مؤمن را در برابر بلا مانند پاداش هزار شهید شمرد و واژه صبر را در آیه «یا ایها الذین آمنوا اصبروا و صابروا» (آل عمران: ۲۰۰) به صبوری در برابر مصائب تفسیر کرد (کلینی، ۱۳۶۳، ۹۲/۲).

دوم) تغییر شاخص مصیبت برای کاهش غم: امام صادق علیه السلام برای کاستی بخشی آلام روحی داغدیدگان، شاخص های مصیبت را تغییر داد و فرمود: «مصیبتی که صبر و اجر الهی را به دنبال داشته باشد، مصیبت نیست. مصیبت آن است که غم زده به دلیل ناشکیبایی از ثواب الهی محروم شود» (کلینی، ۱۳۶۳، ۲۲۵/۳). براین اساس، حضرت برخورد خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله را با مصیبت این گونه وصف کرد که آنان پس از خداداد مصیبت به خواست خداوند راضی و در برابر فرمان او تسلیم هستند (کلینی، ۱۳۶۳، ۲۲۰/۳) و خود در برخورد با مصیبت، خداوند را ستایش می کرد که نه در دین او مصیبتی وارد شده و نه به مصیبتی بزرگ تر گرفتار شده است (کلینی، ۱۳۶۳، ۲۶۲/۳).

سوم) یادکرد مصیبت های بزرگ: امام صادق علیه السلام سفارش کرد تا در پرتو یادکرد



مصیبت بزرگ، داغدار مصیبت خود را ناچیز بشمارد. براساس روایت کلینی آن حضرت فرمود: «هر غم‌دیده‌ای باید از مصیبت‌های رسول خدا ﷺ یاد کند؛ زیرا مصیبت ایشان از بزرگ‌ترین مصیبت‌هاست» (کلینی، ۱۳۶۳/۳، ۲۲۰/۳). بر پایه روایت ابن سعد و حمیری (ابن سعد، بی‌تا، ۸۹/۸؛ حمیری، ۱۴۱۳، ص ۹۴، رک. عبدالرزاق صنعانی، بی‌تا، ۵۶۴/۳) امام صادق (ع) این خبر را از رسول خدا ﷺ نقل کرده و بنابر اخبار دیگری رسول خدا ﷺ آن را خطاب به امام علی (ع) (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶، ۲۰۴/۱) و در آخرین لحظات زندگانی اش (طبرانی، ۱۴۱۵، ۳۶۵/۴) فرموده است. بنابراین، رسول خدا ﷺ سال‌ها پس از شهادت حمزه و بیان «حمزة لا بواکی له» چنین دستوری داد و امام باقر (ع) نیز سال‌ها پس از شهادت امام حسین (ع) و تأکید بر سوگواری آن حضرت، ضمن بیان دستور رسول خدا ﷺ آن را شامل همه مصیبت‌های جانی و مالی مردم دانست و تصریح کرده است که مصیبتی به بزرگی مصیبت آن پیامبر خدا ﷺ برای آفریدگان نیست (کلینی، ۱۳۶۳، ۲۶۲/۳).

امیرالمؤمنین (ع) نیز ضمن آنکه شهادت مالک اشتر را از مصائب روزگار شمرد، فرمود: «ما پس از رسول خدا ﷺ خود را برای هر مصیبتی آماده کرده‌ایم؛ زیرا مصیبت او از بزرگ‌ترین مصیبت‌هاست» (ثقفی کوفی، ۱۴۱۰، ۲۶۴/۱). امام حسین (ع) نیز زمانی که در مدائن خبر شهادت امیرالمؤمنین (ع) را دریافت کرد، غم شهادت پدر را به مصیبت رسول خدا ﷺ پیوند زد (کلینی، ۱۳۶۳، ۲۶۲/۳). براین اساس، فقیهان نیز مستحب شمرده‌اند که مصیبت زده برای کاهش غم خود، رحلت پیامبر خدا ﷺ را یاد کند که بزرگ‌ترین مصیبت است (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹، ۱۲۵/۲). خبر اُمّ سلمه از رسول خدا ﷺ نیز حکایت دارد که حضرت توصیه دیگری برای غم‌دیدگان نداشته است، جز اینکه در مصائب خود «استرجاع» گویند و از خداوند طلب ثواب کنند تا به آنان بهتر از آنچه از دست داده‌اند، عطا شود.

برخلاف استناد رسول خدا ﷺ، عملکرد امامان (ع) پس از شهادت امام حسین (ع) و فتوای فقیهان و نیز فراوانی سوگ‌های مردم برای مردگان خود، خبری یافت نشد که نشان از یادکرد امام حسین (ع) در مصیبت‌های عادی مردم باشد. گویا پدیداری رسم گریه بر امام حسین (ع) پس از عزاداری بر هر امام (ع) و مردگان عادی به دلیل بزرگی مصیبت امام حسین (ع) باشد که امام رضا (ع) با بیان پاداش گریه بر مصیبت‌های اهل بیت (ع)

فرمود: «اگر خواستی بر چیزی گریه کنی، بر حسین علیه السلام گریه کن» (صدوق (الف)، ۱۰۴۰۴/۲۶۴ و ۲۶۸). این تعبیر، کنایه از بزرگی مصیبت است که کاربرد فراوانی در ادبیات عرب داشته است. برای نمونه، رسول خدا صلی الله علیه و آله در سوگ جعفر بن ابی طالب فرمود: «زنان نوحه گر بر کسی مانند جعفر گریه کنند» (بلاذری، ۱۴۱۷/۲/۴۳؛ یعقوبی، بی تا، ۶۵/۲). امام علی علیه السلام نیز مشابه این تعبیر را در سوگ مالک اشتر دارد (ثقفی، ۱۴۱۰/۱/۲۶۵؛ مفید (ب)، ۱۴۱۴، ص ۸۳؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵/۵۶/۳۹۱). نمونه های دیگری نیز فراوانی کاربرد این ضرب المثل را در موارد مختلفی نشان می دهد، چونان که قاسم در رثای برادر خود احمد بن یوسف، وزیر و کاتب مأمون عباسی نیز از آن بهره برد (یاقوت حموی، ۱۴۰۰/۵/۱۸۳) و ابو عبیده نیز برای کسانی که علم را وسیله کسب درآمد کرده اند از آن استفاده کرد: «من أراد أن يأكل الخبز بالعلم فلتبک علیه البواکی» (زمخشری، ۱۴۱۲/۴/۳۷). بنابراین، چرایی، زمان و سیر تاریخی جایگزینی یادکرد امام حسین علیه السلام به جای یادکرد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در مصیبت های عادی شیعه همچنان نیازمند بررسی است.

۲-۳-۴. محدودیت زمانی عزاداری

بر پایه سنتی که رسول خدا صلی الله علیه و آله بنیاد نهاد، عزاداری زنان شوهر مرده و (دیگران) سه روز است. زینب، دختر ام سلمه، در شهادت حمزه سه روز گریست و سیاه پوشید. رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از آن فرمود: «موی خود را شانه کن و به چشمانت سرمه بکش». (زمخشری، ۱۴۱۷/۲/۱۵۴؛ ابن اثیر، ۱۲۶۴/۵/۶۸) وقتی اسماء، دختر عمیس، در سوگ شوهرش، جعفر بن ابی طالب، گریه و فریاد داشت، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «گریه کنندگان باید بر مثل جعفر گریه کنند» و در عین حال، او را به خویشتن داری دعوت کرد و به وی دستور داد سه روز صبر کند (عزاداری کند و لباس سیاه بپوشد)، سپس هر چه می خواهد انجام دهد (ابن سعد، بی تا، ۴۱/۴؛ ابن سعد، بی تا، ۲۸۲/۸). به روایتی از امام صادق علیه السلام، رسول خدا صلی الله علیه و آله دستور داد تا فاطمه علیها السلام سه روز برای اسماء غذا فراهم آورد و او را تسلیت گوید و بدین ترتیب تهیه غذا برای عزادار در سه روز سنت شد.

عمر فرزند امام سجاد علیه السلام نیز روایت کرده است که هنگام عزادای زنان هاشمی، پدرم برای آنان غذا فراهم می کرد (تا زنان به عزاداری خود مشغول باشند). (برقی، بی تا، ۴۱۹/۲-۴۲۰) به روایت ابوبصیر از امام صادق علیه السلام شایسته است تا همسایگان در سه روز عزاداری، غذای مصیبت زده را فراهم آورند (کلینی، ۱۳۶۳/۳/۲۱۷) و به روایتی دیگر، غذا خوردن نزد مصیبت زده



را در شمار کارهای عصر جاهلیت شمرده و به سنت نبوی تأکید کرد که باید غذا را برای مصیبت زده فراهم کرد (صدوق (ب)، ۱۴۰۴/۱، ۱۸۲)، حلی (۱۴۲۱، ۷/۴۲۰). تهیه غذا از سوی صاحب عزا را در صورت ضرورت جایز شمرده و مثال زده به حضور میهمانی که برای تسلیت‌گویی از راه‌های دور آمده است. مجموع این روایات بیانگر این است که بنیاد این سنت برای این بوده است که مصیبت زده در عزاداری خود با مشکل دیگری و رنج بیشتری گرفتار نباشد.

با وجود روایات متعددی بر محدودیت زمانی عزاداری، به نظر می‌رسد که این محدودیت چندان فراگیر نبوده و با توجه به شرایط اجتماعی افراد متفاوت می‌شده است. همان‌گونه که زنان هاشمی در سوگ امام مجتبی (ع) یک ماه سوگواری کردند، یک سال سیاه پوشیدند و مغازه‌های مدینه هفت روز تعطیل شد. (ابن سعد، ۱۴۱۶، ص ۹۰-۹۱) همسران رسول خدا (ص) نیز در زمان عده وفات، چنان آرایش را رها کردند که به راهبه‌ها شبیه شدند و هر روز یا دو سه روزی یک بار از آنان گریه گلوگیر شنیده می‌شد (ابن سعد، بی تا، ۲۲۱/۸).

وصیت امام باقر (ع) نیز شاهد دیگری بر این ادعاست. ایشان با اینکه فرمود: «برای مردگان از هنگام مرگ تا سه روز عزاداری شود»، برای برپایی مراسم عزاداری خود وصیت کرد تا در منی به مدت ده سال ماتم برپاکنند و برای این کار هشتصد درهم وصیت کرد. (کلینی، ۱۳۶۳، ۳/۲۱۷؛ کلینی، ۱۳۶۳، ۵/۱۱۷) بنا بر روایتی، امام صادق (ع) نیز وصیت کرد که هفت سال برای وی در زمان مناسک حج نوحه‌گری کنند و مالی را نیز وقف این کار کرد (صدوق (ب)، ۱۴۰۴، ۴/۲۴۴). انتخاب نوحه‌گری چندین ساله در زمان برگزاری بزرگترین مجتمع اسلامی برای سهولت در انتقال فرهنگ اهل بیت (ع) درخور توجه است (امینی، ۱۳۹۷، ۲/۲۱) و گویا استناد وصیت امام باقر (ع) به فرمان رسول خدا (ص) که فرمود: «تا سه روز برای خانواده جعفر بن ابی طالب غذا تهیه کنید»، برداشت نادرست راوی روایت باشد (رک.، فیض، ۱۳۷۲، ۲۵/۵۴۲؛ رک.، مجلسی، ۱۳۷۴، ۲/۴۷-۴۷۸).

با اینکه از برگزاری مراسم سوگ آن دو امام (ع) در سال‌های ۱۱۴-۱۲۴ هـ.ق و ۱۴۸-۱۵۵ هـ.ق و نیز تأثیر آن بر حاجیان اخباری در دست نیست، می‌توان از امام باقر (ع) به بنیادگذار راهکار جدیدی در سوگواری برای بزرگداشت نام و فرهنگ اهل بیت (ع) یاد کرد. راهکاری که امام صادق (ع) آن را استمرار بخشید تا نام اهل بیت (ع) را پرآوازه کند. در

روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که حضرت ابراهیم علیه السلام از خداوند دختری خواست تا بروی ندبه (گریه به همراه بیان خوبی‌ها) کند (کلینی، ۱۳۶۳، ۵/۶). فیض کاشانی (۱۳۷۲، ۲۳/۱۲۹۹) این کار را سبب بهره‌مندی از دعای دیگران و پراوازه شدن نام در میان آیندگان دانست و به قرآن استناد کرده است که ابراهیم علیه السلام از خداوند تقاضا کرد تا در میان آیندگان آوازه‌ای نیکو داشته باشد: «واجعل لی لسان صدیق فی الآخِرین» (شعراء: ۸۴).

۲-۳-۵. زیارت درگذشتگان

سوگواری بر امام حسین علیه السلام و زیارت ایشان در سیره امام صادق علیه السلام نسبت به دیگر زیارات و سوگواری‌ها تفاوتی آشکار دارد. بنابر مجموع روایات نقل شده از امام صادق علیه السلام (ربک، ابن قولویه، ۱۴۱۷، ص ۵۲۸-۵۳۱)، در زیارت مردگان، بر مؤمنان و مسلمان قبرستان درود فرستاده و گفته شود: «شما بر ما پیشی گرفتید، ما نیز به شما خواهیم پیوست، خداوند پیشینیان و پسینیان شما را رحمت کند». بر پایه روایت ابوبصیر، پس از سلام و استرجاع گفته می‌شود: «ای قبرخفتگانی که پیشتر در قصرها و نعمت و شادی بودید! قبر جایگاه‌تان شد. ای قبرمنزلان! طعم مرگ را چگونه یافتید؟ وای بر کسی که دوزخ فرجامش باشد».

امام صادق علیه السلام برای گفتگو با مردگان به سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امیرمؤمنان علیه السلام استناد می‌کرد و می‌فرمود که امام علی علیه السلام خطاب به مردگان گورستانی فرمود: «خبر ما اینکه اموالتان تقسیم، زنانان عروس و منازلتان جایگاه دیگران شد، شما چه خبری دارید؟» آنگاه خطاب به یارانش فرمود: «اگر اجازه سخن داشتند، تقوارا بهترین توشه می‌گفتند». با توجه به آنچه درباره سوگواری بیان شد، در سیره امام صادق علیه السلام سوگواری کسی مانند امام حسین علیه السلام برجسته نشد و احکامی خاص برای آن ذکر نگردید و زیارتنامه‌ای نیز برای آن بیان نشد.

۳. بحث و نتیجه‌گیری

سوگواری با ادبیاتی مختلف در فرهنگ‌های بشری از دیرباز تاکنون وجود داشته و آثاری در این باره تدوین شده است. مطالعه سنت و سیره امام صادق علیه السلام نشان می‌دهد که آن حضرت سوگواری را به دو بخش سوگواری عادی و حسینی تقسیم کرد. حضرت در سوگ عادی به اصلاح فرهنگ سوگواری و ارائه راهکارهایی برای پاکسازی و بازیابی روحی عزادار

پرداخت و در این رابطه به تمایز پوشش صاحبان عزا از دیگران، سرسلامتی دادن به عزادار، محدودیت زمانی عزاداری و زیارت درگذشتگان پرداخت و راه‌های خودفروکاهی غم را شامل خویشتن داری، بازخوانی تغییر شاخص مصیبت و یاد از مصایب بزرگ‌ترین بیان کرد. از سوی دیگر ایشان با بزرگ شمردن مصیبت امام حسین علیه السلام، مجالس عزا برپا نمود و در آن مجالس گریست و برای جامعه پذیر کردن عزای حسینی راهکارهایی ارائه داد تا به ادبیات شیعی وارد شود. امام صادق علیه السلام ایجاد هیجان را هم راستا با استدلال دانست و از آن برای گسترش و تعمیق فکر شیعی استفاده کرد. از این رو، گریه بر امام حسین علیه السلام را با ایمان مردم پیوند زد، ضجه و حتی حالت گریه را ارزشمند و دارای پاداش شمرد، برای مرقد امام حسین علیه السلام حرم تعیین کرد و مردم را به حضور در کنار مرقد امام حسین علیه السلام و عزاداری بر آن حضرت تشویق کرد و در مجموع منظمه سوگواری شیعی را ترسیم نمود.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. ابن سعد (۱۴۱۶). *الطبقات الكبرى*. مترجم: الامام الحسن علیه السلام. قم: آل البيت علیهم السلام.
۲. ابن عساکر، علی بن الحسن (۱۴۱۵). *تاریخ مدینه دمشق*. محقق: شبیری، علی. قم: دار الفکر.
۳. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر بن کثیر (۱۴۰۸). *البدایه والنهایه*. محقق: شبیری، علی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴. ابن نمالی، محمد بن جعفر (۱۴۱۶). *ذوب النصار*. محقق: کریم، فارس حسون. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۵. ابن ابی الحدید، عبد الحمید (۱۳۷۸). *شرح نهج البلاغه*. بیروت: دار احیاء الکتب العربیه.
۶. ابن اثیر، علی بن محمد (۱۳۸۶). *الکامل فی التاریخ*. بیروت: دار صادر.
۷. ابن اثیر، مبارک بن محمد (۱۳۶۴). *النهایه فی غریب الحدیث*. قم: اسماعیلیان.
۸. ابن داوود حلّی، تقی الدین (۱۳۹۲). *رجال*. نجف: مکتبه الحیدریه.
۹. ابن سعد، محمد (بی تا). *الطبقات الكبرى*. بیروت: دار صادر.
۱۰. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۶). *مناقب آل ابی طالب*. محقق: لجنه من اساتذہ النجف الاشرف. نجف: مکتبه الحیدریه.
۱۱. ابن قولویه، محمد بن جعفر (۱۴۱۷). *کامل الزیارات*. محقق: قیومی، جواد. قم: النشر الاسلامی.
۱۲. ابوفرج اصفهانی، علی بن الحسین (۱۴۱۵). *الاعانی*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۳. اردبیلی، محمد بن علی (بی تا). *جامع الرواه وازاحه الاشتباهات عن الطرق والاسناد*. نجف: مکتبه الحیدریه.
۱۴. اسکافی، محمد بن همام (بی تا). *التمحیص*. محقق: مدرسه الامام المهدي عليه السلام. قم: مدرسه الامام المهدي عليه السلام.
۱۵. امینی، عبد الحسین (۱۳۹۷). *الغدیر*. بیروت: دار الکتب العربی.
۱۶. برقی، احمد بن محمد بن خالد (بی تا). *المحاسن*. محقق: محدث ارموی. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۷. بغدادی، عبدالقادر بن عمر (۱۹۹۸). *خزانه الادب ولب لباب لسان العرب*. محقق: طریفی، محمد نبیل. و امیل بدیع، الیعقوب. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۸. بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷). *انساب الاشراف*. محقق: سهیل زکار. بیروت: معهد المخطوطات بجامعة الدول العربیه بالاشتراك مع دار المعارف بمصر.
۱۹. تستری، محمد تقی (۱۴۱۵). *قاموس الرجال*. قم: النشر الاسلامی.

۲۰. ثقفی کوفی، ابراهیم بن محمد (۱۴۱۰). الفارات. محقق: محدث ارموی. قم: دارالکتاب.
۲۱. حلبی، علی بن برهان الدین (۱۴۰۰). السیره الحلبیه. بیروت: دارالمعرفه.
۲۲. حلبی، حسن بن یوسف (۱۴۰۲). خلاصه الاقوال. محقق: بحر العلوم، محمد باقر. قم: شریف رضی.
۲۳. حلبی، حسن بن یوسف (۱۴۱۴). تذکره الفقهاء. محقق: مؤسسه آل البيت علیهم السلام. قم: لاحیاء التراث مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۲۴. حلبی، حسن بن یوسف (۱۴۲۱). منتهی المطلب. محقق: غفاری، علی اکبر. مشهد: آستان قدس رضوی.
۲۵. حمیری، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳). قرب الاسناد. محقق: مؤسسه آل البيت علیهم السلام. قم: آل البيت علیهم السلام.
۲۶. خوبی، ابوالقاسم (۱۴۱۳). معجم رجال الحديث. محقق: لجنة التحقيق. بی جا: بی نا.
۲۷. ذهبی، محمد بن احمد (۱۴۱۳). سیر اعلام النبلا. محقق: الارنوؤط، شعیب. الاسد، حسین. بی جا: الرساله.
۲۸. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۱۲). ربیع الابرار ونصوص الاخبار. محقق: مهنا، عبد الامیر. بیروت: مؤسسه الأعلمی.
۲۹. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۱۷). الفائق فی غریب الحديث. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۳۰. شافعی، محمد بن طلحه (بی تا). مطالب السؤؤل فی مناقب آل الرسول صلی الله علیه و آله. محقق: العطیه، ماجد ابن احمد العطیه. بی جا: بی نا.
۳۱. شجاعی، محمد صادق (۱۳۹۱ ش). انگیزش و هیجان. قم: یزوهشگاه و حوزه و دانشگاه.
۳۲. شهید اول، محمد بن جمال الدین (۱۴۱۹). ذکر الشیعه فی احکام الشریعه. محقق: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث.
۳۳. صدوق، محمد بن علی (۱۳۸۵). علل الشرائع. محقق: بحر العلوم، محمد صادق. نجف: الحیدریه.
۳۴. صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۳). الخصال. محقق: غفاری، علی اکبر. قم: النشر الاسلامی.
۳۵. صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۷). الامالی. محقق: مؤسسه البعثه. قم: البعثه.
۳۶. صدوق، محمد بن علی (الف. ۱۴۰۴). عیون اخبار الرضا علیه السلام. محقق: اعلمی، حسین. بیروت: الاعلمی.
۳۷. صدوق، محمد بن علی (ب. ۱۴۰۴). من لایحضره الفقیه. محقق: غفاری، علی اکبر. قم: النشر الاسلامی.
۳۸. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۱۹). العروه الوثقی، مع تعلیقات عده من الفقهاء العظام. قم: النشر الاسلامی.
۳۹. طبرانی، سلیمان بن احمد (۱۴۱۵). المعجم الاوسط. محقق: دار الحرمین. قاهره: دار الحرمین.
۴۰. طبرانی، سلیمان بن احمد (بی تا). المعجم الکبیر. محقق: حمدی، عبد الحمید. قاهره: مکتبه ابن تیمیه.
۴۱. طبری (محب طبری)، احمد بن عبدالله (۱۳۵۶). ذخائر العقبی. قاهره: مکتبه القدسی.
۴۲. طبسی، نجم الدین (۱۴۲۲). صوم عاشوراء بین السنه النبویه والبدعه الامویه. قم: العهد.
۴۳. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۴). تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه. محقق: خراسان، حسن. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۴. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۷۸). المیسوط. محقق: کشفی، محمد تقی. تهران: المکتبه المرتضویه.
۴۵. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۴). اختیار معرفه الرجال. محقق: رجایی، سید مهدی. قم: آل البيت.
۴۶. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱). مصباح المتجهد. بیروت: مؤسسه فقه الشیعه.
۴۷. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴). الامالی. محقق: مؤسسه البعثه. قم: دار الثقافه.
۴۸. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۵). رجال. محقق: قیومی الاصفهانی، جواد. قم: النشر الاسلامی.
۴۹. عبدالرزاق صنعانی، ابن همام (بی تا). المصنف. محقق: العظمی، حبیب الرحمن. بی جا: بی نا.
۵۰. فیض کاشانی، ملامحسن (۱۳۷۲). الوافی. محقق: مرکز تحقیقات الدینیه والعلمیه فی مکتبه الامام امیرالمؤمنین علی علیه السلام. اصفهان: مکتبه الامام امیرالمؤمنین علی علیه السلام العامه.
۵۱. قاضی نعمان بن محمد (۱۳۸۳). دعائم الاسلام. محقق: فیضی، آصف بن علی اصغر. مصر: دارالمعارف.
۵۲. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۱۱). تفسیر. مصحح: موسوی جزائری، سیدطیب. بیروت: دارالسرور.
۵۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳). الکافی. محقق: غفاری، علی اکبر. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۵۴. مجلسی، محمد تقی (۱۳۷۴). لوامع صاحبقرانی. قم: اسماعیلیان.
۵۵. مفید، محمد بن محمد (الف. ۱۴۱۴). احکام النساء. محقق: نجف، مهدی. بیروت: دارالمفید.
۵۶. مفید، محمد بن محمد (ب. ۱۴۱۴). الامالی. محقق: استاد ولی، حسین. و غفاری، علی اکبر. بیروت: دارالمفید.
۵۷. نجاشی، احمد بن علی (۱۴۱۶). رجال. محقق: شبیری زنجانی، موسی. قم: النشر الاسلامی.
۵۸. نمازی، علی (۱۴۱۲). مستدرکات علم رجال الحديث. تهران: شفق.

٥٩. نيشابورى ، مسلم بن حجاج (بى تا). صحيح. بيروت: دار الفكر.
٦٠. واقدى ، محمد بن عمر (١٤٥٩). المغازى. محقق: جونس ، مارسدن. بيروت: الاعلمى.
٦١. واقدى ، محمد بن عمر (بى تا). فتوح الشام. بيروت: دار الجيل.
٦٢. ياقوت حموى ، ابو عبدالله بن عبدالله (١٤٥٥). معجم الادباء. بيروت: دار الفكر.
٦٣. يعقوبى ، احمد بن واضح (بى تا). تاريخ. بيروت: دار صادر.

